

با فوت و فن‌های نویسندگی و داستان‌نویسی آشنا شوید

لطفاً استعداد نویسندگی‌مرا دریابید!

الهام یوسفی – شاید برای شما هم پیش آمده باشد با آدمی برخورد کنید که وقتی از علایقش می‌پرسید، بگوید دوست دارد نویسنده شود داستان پرپیچ و خم زندگی‌اش را بنویسد؛ داستانی که به نظر خودش، پرفروش‌ترین رمان دنیا خواهد شد. می‌پرسید پس چرا نمی‌نویسی؟ که به طور معمول، پاسخ این است: «وقت ندارم وگرنه قلمم عالی است.» برای بسیاری از نویسندگان و روزنامه‌نگاران پیش می‌آید که اطرافیان بهشان می‌گویند: «کجا می‌نویسی؟ چقدری می‌دن؟ خب دست ما رو هم بگیر.» یا می‌گویند: «خوب پول مفت در میاری. من باشم روزی صد تا از این مطالب می‌نویسم!» این که همه فکر می‌کنند داستان زندگی‌شان خیلی پیچیده و متفاوت است، بحث جدایی است که ربطی به پرونده امروز ما ندارد اما این که همه فکر می‌کنند نویسنده هستند و نویسنده بودن کار و حرفه‌ راحتی است، نکته عجیبی است؛ به خصوص درباره داستان‌نویسی! اما فارغ از این ادعاها و کُری‌خوانی‌ها، واقعاً چطور می‌شود استعداد نویسندگی‌مان را کشف کنیم؟ باید و نباید‌های داستان‌نویسی چیست؟ داستان‌نویسی چه تأثیرات و کارکردهای مثبتی بر زندگی خودمان و اطرافیان دارد؟ در پرونده امروز زندگی‌سلام، می‌توانید نکته‌هایی از این قبیل را یاد بگیرید و خدا را چه دیدید؟ شاید شما واقعاً یکی از استعداد‌های نویسندگی بودید که با مطالعه این نکات، کشف شدید! با ما باشید.



تصویر: سارا

۱+۱۲ اصل برای داستان‌نویس شدن

همه ما در زندگی، لحظاتی را تجربه می‌کنیم که در آن به نوشتن، کنار هم گذاشتن جملات و تهیه یک متن روان و خوش‌خوان و قابل فهم، نیاز پیدا می‌کنیم: نوشتن یک نامه، رزومه، پست وبلاگ، کپشن عکس، کارت دعوت و تیریک، ایمیل، پیغام، گزارش کار و... همگی، به داشتن و دانستن حداقل‌هایی از مهارت‌نویسندگی نیاز داریم. منتها نویسندگی به شکل حرفه‌ای در قالب یادداشت، مقاله و داستان، به مقدمات و پیش‌زمینه‌های مفصل‌تر و دقیق‌تری نیاز دارد که با هم مرور می‌کنیم.

۱ – مطالعه آثار نویسندگان برتر دنیا / قدم اول برای نوشتن، خواندن است. اگر بخواهید داستان‌نویس شوید باید آثار بزرگان و مفاخر دنیا را مطالعه کنید و پیگیر ادبیات و تحولات آن، از گذشته تا به امروز باشید و حتی برخی آثار را باید بارها بخوانید. بسیاری از نویسندگان به مطالعه شاهکارهای دنیا اکتفا نمی‌کنند، بلکه مثل بچه دبستانی‌ها از روی آن رونویسی می‌کنند تا دایره واژگانشان توسعه‌یابد.

۲ – مشاهده همه نکات ریز و درشت اطراف / بزرگان عرصه داستان‌نویسی می‌گویند بزرگ‌ترین سرمایه نویسنده، هنر مشاهده است. یعنی دیدن همه چیزهای کوچک و بزرگ و مهم و بی‌اهمیت اطراف و حتی تهیه فهرست نکاتی که به نظرتان جالب می‌آید. نکات و اتفاقات و اطلاعاتی که بعدها می‌تواند عناصر داستان شما را تشکیل دهد یا به شخصیت‌پردازی بهتر شخصیت‌های داستان‌تان کمک کند. حرکت دست‌ها، حالت چشم‌های راننده تاکسی در آینه، سیبل مد اصلاح‌شده یک مرد یا هر چیز دیگری، می‌تواند الهام‌بخش شما در داستان‌نویسی باشد. نویسنده‌ای می‌گفت فهرست چند صدگانه‌ای از انواع بوها را برای روز مبادا یادداشت کرده، تا به وقتش از آن استفاده کند!

۳ – رویارودازی‌های گسترده را از یاد نبرید / اگر می‌خواهید نویسنده خوبی شوید باید برای رویاهایتان ارزش قائل باشید، چون بخش مهمی از نویسندگی رویارودازی است. پس هر روز رویارودازی کنید. رویاها به شما کمک می‌کنند تا در جهان عجیب و متفاوتی زندگی کنید که خودتان آن را ساخته‌اید. در این جهان، هر چیزی ممکن و شدنی است، چون شما خالقش هستید. این گونه، روزی خواهید توانست با قلم‌تان این دنیای رویایی را برای دیگران هم ترسیم و توصیف کنید.

۴ – تمرین از روی زندگی واقعی / نویسنده بزرگی گفته: «اگر از من بخواهید توصیه‌ای به نویسندگان جوان بکنم، به آن‌ها می‌گویم چیزی را بنویسند که زمانی برای خودشان اتفاق افتاده است. به طور معمول به راحتی می‌توان تشخیص داد که متن یک نویسنده، برخاسته از تجربیات شخصی اوست یا آنچه از دیگران شنیده یا خوانده» پس برای شروع نوشتن، از داستان زندگی خودتان یا زندگی‌های واقعی اطراف الهام بگیرید و آغاز کنید.

۵ – نوشتن اولین اولویت شماست / اگر نویسندگی، یکی از هزاران علاقه شماست، باید علاقتان را اولویت‌بندی کنید و تنها زمانی سراغ نویسندگی بروید که اولین اولویت‌تان باشد و نقاشی، سینما، موسیقی، مهمانی و تفریح و چیزهایی از این دست در اولویت‌های بعدی قرار بگیرد. چون نویسندگی یک شغل تمام‌وقت است که به تمرکز بالا و انرژی زیاد نیاز دارد.

۶ – واقعیت نویسنده بودن را بپذیرید / مارگارت اتوود، نویسنده روزنامه‌گاردین می‌نویسد: «برای نویسند شدن، به یک فرهنگ‌نامه جامع، یک کتاب دستور زبان و البته چسبیدن به واقعیت نیاز دارید! این آخری یعنی این که: هیچ چیز مجانی و راحت نیست. نویسندگی کار و حرفه شماست و در عین حال، نوعی ریسک و قمار است. شما هرگز حقوق بازتشنیگی دریافت نخواهید کرد، هرگز بیمه نمی‌شوید، ممکن است آثارتان با استقبال روبه‌رو نشود و باید روی پای خودتان بایستید. هیچ کس مجبور‌تان نکرده که نویسنده باشید. خودتان نویسندگی را انتخاب کرده‌اید، پس ناله و شکایت نکنید.»

۷ – یک گوشه دنج داشته باشید / نویسندگی به تنهایی و تمرکز نیاز دارد. در واقع نوشتن همان فکر کردن نظام‌مند است، پس برای این مدل فکر کردن حتما گوشه دنجی برای خودتان مهیا و سعی کنید در ساعات مشخص و به طور مداوم، حتما بخشی از وقت‌تان را به نوشتن اختصاص دهید. هر زمان و هر مکانی برای نوشتن مناسب نیست. حتی سعی کنید برای نوشتن لباس رسمی بپوشید.

۸ – یک منبع الهام‌بخش پیدا کنید / اگر آثار بزرگان عرصه نوشتن را بخوانید، خواهید دید که هر نویسنده‌ای معمولاً یک منبع الهام‌بخش قوی برای خود دارد. این منبع یا در گذشته اوست، یا در زمان حال و یا در نگاه و عشق به آینده. گابریل گارسیا مارکز تقریباً همه منبع الهام‌بخش خود را در کودکی‌اش یافته. «صد سال تنهایی» مصداق بارز آن است. شما هم سعی کنید فکر کنید و منبع الهام‌بخش‌تان را بیابید. منبع الهام‌بخش، آن چیزی است که با به خاطر آوردنش، همه سلول‌های‌تان به جوشش در می‌آید. آن جوشش درونی را روی کاغذ پیاده کنید.

۹ – هیچ‌وقت از ایده‌های‌تان حرف نزنید / خیلی از نویسندگان بالقوه دنیا، یک اشتباه بزرگ را مرتکب می‌شوند و آن این است که در لحظات جوشش درونی در اثر منبع الهام‌بخش به حرف زدن در باره ایده ذهنی‌شان تمایل پیدا می‌کنند، با یکی از دوستانشان قرار می‌گذارند، از آن ایده با هیجان حرف می‌زنند و تمام! این اشتراک‌گذاری باعث می‌شود که نویسنده آرام شود و دیگر به نوشتن نیتان پیدا نکند!

۱۰ – خود تحلیلی را از یاد نبرید / یکی از از‌های موفقیت نویسنده‌ها، اندیشه و کشف نکات جدید برائثر فکر و تأمل است. یک اثر خطی، بدون هیچ کشف و تحلیلی، معمولاً چیز دندان‌گیری نخواهد شد. پس مدام باید فکر کرد و تحلیل کرد. به گذشته خودتان نگاه کنید و سعی کنید خودتان را روان‌کوی کنید، رفتارهای‌تان و حالات روانی‌تان را تحلیل کنید و از کشف‌های‌تان بنویسید.

۱۱ – سخت‌راضی شوید / بسیاری از کسانی که سراغ عالم نویسندگی و نویسند شدن، می‌روند زود راضی می‌شوند و برای چاپ اثرشان سراغ ناشر می‌گردند، برخلاف نویسندگان بزرگ که سال‌ها روی اثر وقت می‌گذارند و در نهایت هم از آن راضی هستند. شما هم سعی کنید مدام با خودتان رقابت کنید و حذر رضایت خود را بالا ببرید. رضایت زود هنگام، شما را دچار تومف‌موفقیت و درج‌ازدن می‌کند.

۱۲ – بنویسید، بنویسید و بنویسید / لطفاً بنویسید، شما حتی اگر در ذهن‌تان چیزی را می‌نویسید، با نوشتن روی کاغذ یا تایپ کردن خیلی فرق خواهد داشت. پس فقط انجامش دهید؛ نوشتن را می‌گوییم! زیاد بخوانید، زیاد بنویسید و دوباره و دوباره متن‌تان را بازخوانی و اصلاح و ویرایش کنید.

۱۳ – و اما عشق به کار را از یاد نبرید / باید به کار نوشتن عشق داشته باشید وگرنه شک نکنید که کم‌کم می‌آورد و آن را رها خواهید کرد. نوشتن کار آسانی نیست و تنها کسانی تا آخر خط می‌روند که با همه وجودشان به این کار عشق می‌ورزند. پس شما هم با قلب خود و از سر عشق بنویسید. طوری که اگر ننویسید نتوانید زندگی کنید؛ یا مرگ، یا نوشتن!

گفت و گویا «علی موسی زاده»، مدرس داستان‌نویسی درباره باید و نبایدهای نویسندگی

مبتدی‌ها نه مغرور شوند و نه مایوس!

فهیمه موذن – علی موسی زاده، نویسنده و مدرس جوانی است که در گفت و گو با «زندگی‌سلام»، از نکاتی که علاقه‌مندان به نویسندگی، در ابتدا و ادامه مسیرشان باید رعایت کنند حرف زده است. این گفت‌وگو نکات جالبی دارد که در ادامه می‌خوانید.

*** جناب موسی‌زاده! اگر بخواهید با توجه به تجربه‌تان به علاقه‌مندان داستان‌نویسی، چند نکته یادآوری کنید، آن نکته‌ها چیست؟**

رعایت یک سری نکات ساده بدیهی: مثل مطالعه آثار خوب و نوشتن زیاد و البته باید این مطالعه و نوشتن را در مسیر درست هدایت کنند. چون کسانی داریم که زیاد می‌نویسند ولی چون درست نمی‌نویسند، فقط تولید مطلب دارند و رشد نمی‌کنند. باید هم کمیت و هم کیفیت را بالا ببرند. دوم این که با محیط‌ها و محافل ادبی‌اشنایی و ارتباط داشته باشند تا بتوانند راهشان را پیدا و کارشان را منتشر کنند. سوم هم این که اطلاعاتشان را در زمینه‌های گوناگون، از فلسفه گرفته تا فیزیک، از طب تا جامعه‌شناسی، بالا ببرند تا برای توصیف و ترسیم فضاها و آدم‌های مختلف، مطلع باشند.

*** این مطالعات در زمینه‌های مختلف، کجا به کار می‌آید؟**

دیگر دوره آدم‌های سانتی‌مانتالی که احساسات آیکی خودشان را به مخاطب قالب کنند، گذشته؛ الان دیگر کسی نیست که حوصله کند اثری در باره تنهایی رنج‌آور یک نفر بخواند. الان باید تفکر و اندیشه قوی پشت یک اثر باشد تا گیرا و تأثیرگذار شود. آن هم در دنیایی که انفجار اطلاعات و اندیشه است و همه چیز دارد به اوج خودش می‌رسد. روی همین حساب، مطالعه ساحت‌های مختلف، به کار عمق و پشتوانه می‌دهد. خیلی چیزها را ما نمی‌توانیم مستقیم تجربه کنیم؛ مثل اعتیاد. ولی باید درباره‌اش مطالعه کنیم تا اثری که می‌نویسیم، واقعی و قابل‌باور به نظر بیاید.

*** چرا داستان‌نویسی از دور راحت به نظر می‌آید و علاقه‌مندان زیاد هستند اما در عمل، افراد کمی در**

تصویر: سارا / ایلا تیموری‌نژاد



رازهای نویسندگی

نویسندگی، هم علم است هم هنر، اما واقعیت این است که ذات منعطف نوشتن، چندان در قاعده و قانون نمی‌گنجد. با این همه در زندگی بزرگان نویسندگی سرک کشیده‌ایم و رازهای موفقیتشان را برملا کرده‌ایم.

■ **زیاد مطالعه کن /** نویسنده باید مدام بخواند و ببیند و بشنود. استیون کینگ، نویسنده «یابنده‌نگهبان» می‌گوید: «یادخوانید و یاد بنویسید. من هیچ راهی به‌جز این دو بلد نیستم، هیچ ماینبری وجود ندارد». کینگ از علاقه‌مندان ژانر وحشت است که بسیاری از فیلم‌های سینمایی معروف، از آثار او اقتباس شده، مثل: «رستگاری در شاوشنک» و «مسیر سبز».

■ **منظم باش /** بعضی‌ها فکر می‌کنند نویسنده‌ها تا لنگ ظهر می‌خوانند و بعد از نوشیدن قهوه تلخشان آرام آرام شروع به نوشتن می‌کنند و هروقت هم خسته شدند دست از کار می‌کشند. مرور زندگی نویسنده‌های بزرگ، اما از نظمی دقیق و همیشگی حکایت دارد. هاروکی موراکامی، نویسنده «کافکا در کرانه»، در این باره گفته: «بی‌هیچ تغییری در برنامه‌روزرانه‌ام، به پنج شش ساعت نوشتن و به بستر رفتن در ساعت ۹ شب پایبندم. آنچه اهمیت دارد تکرار این کار است، یک جور هیپنوتیزم. خود را هیپنوتیزم می‌کنم تا بر ژرفای ذهنی‌ام بیفزایم».

■ **با خودت رقابت کن /** به نظر شما یک نویسنده تازه کار اگر خودش را با چخوف و همینگوی و مارکز مقایسه کند، چه بلایی سر خودش و نوشتنش می‌آید؟! ویلیام فاکتئر، نویسنده شاهکار «خشم و هیاهو» معتقد است: «نوشته‌ها هرگز به آن خوبی که باید باشند از کار در نمی‌آیند. خود را با مقایسه کردن‌های بیهوده با پیشینیان و معاصرانتان عذاب ندهید. فقط سعی کنید از خودتان بهتر باشید».

■ **ناامید نشو! /** یک شبه موفق شده‌ها در هر کاری استثناء هستند، در نویسندگی استثناتر. جک لندن، نویسنده کتاب ماندگار «سپید دندان» پیش از چاپ اولین اثرش، شصت بار کارهایش رد شده بود. «اتحادیه ابلهان» جان کندی تول بعد از مرگ او به چاپ رسید چرا که در زمان زنده بودنش هیچ ناشری زیر بار چاپ آن نمی‌رفت.

■ **به جای حرف زدن، نشانه بده /** چخوف بزرگ؛ خالق باغ آلبالو، این نکته را به بهترین شکل بیان کرده است: «به من نگو ماه می‌درخشد؛ درخشش نور را در شیشه‌ای شکسته نشام بده».